

مدفاهای رفقا ز نشانی

لبا به این مسأله فکر کرده اند که عموماً و بویژه در سال های اخیر، نمره های دانش آموزان در درس های دینی کمتر از سال های قبل و بی زنگی و حرکات آن ها، علاقه به این درس را کم کرده است.

نوع پوشش، نوع آرایش و پیرایش، چگونگی حرکات و نحوه‌ی حرف زدن آنها به ما گوشزد می‌کند که باید توجه بیش تری در تدریس داشته باشیم. دانش آموزان ما در سال‌های قبل که از مدرسه خارج می‌شدند، از همه‌ی ظواهر و حرکاتشان معلوم بود که از مدرسه می‌آیند. ولی در این سال‌ها گاهی بیننده فکر می‌کند، آن‌ها از سالن عروسی خارج شده و یا از ورزشگاه یا سالن جشن و غیره بیرون آمده‌اند. چون تلقی موردنظر ما از پوشش دخترها و پسرها در مدرسه باواقعیت کنونی فاصله دارد. در مدرسه هم، گفتار و رفتارشان در اغلب (نه همه) موارد، نشان از علاقه‌ی آن‌ها به این درس به دست نمی‌دهد. در این شرایط، مسؤلیت ما سنگین و سنگین‌تر می‌شود. ما باید:

۱. دین را به دانش آموزان سخت و مشکل نشان ندهیم. دین مجموعه‌ای دستورالعمل برای زندگی است. شاهد این مدعا فرموده‌ی خداوند متعال است که: ان الله يريد بكم اليسر ولا يريد بكم العسر. باید به دانش آموزان بگوییم که در همه‌ی جوامع و ادیان، تقیدهایی برای افراد وجود دارد که اگر بخواهند در آن جامعه زندگی کنند، باید به آن‌ها پایبند باشند. رعایت حقوق دیگران یکی از آن تقیدهاست. نمی‌توان طوری زندگی کرد که در نتیجه‌ی کارهای ما، مردم در مشقت بیفتند و حق آنان به خاطر حق ما ضایع شود. مانند این که چند جوان در شب چهارشنبه‌ی آخر سال می‌خواهند به اصطلاح شادی کنند، ولی با صداهای گوش‌خراش ترفه‌ها، حق کودکان و بزرگسالان و کهنسالان را از بین می‌برند. اگر ما به خداوند و پیامبران و پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه‌ی اطهار ایمان داریم - که مدعی آن هستیم - پس دستور زندگی را نیز باید از آن‌ها

بگیریم. این گونه زندگی هم اصلاً سخت نیست؛ البته اگر خودمان درست به دین عمل کنیم و همان گونه که دین آسان گرفته است، آسان بگیریم.

۲. دینداری را به دانش آموزان مشکل نشان ندهیم. دین اسلام که تکالیفی را برای مردم مسلمان مشخص کرده است، در شرایطی که مسلمان به مشقت که نوعاً قابل تحمل نیست می‌افتد، آن تکلیف را تغییر داده یا برداشته است. بنابراین، دیگر چه بهانه‌ای برای عدم اجرای تکلیف وجود دارد؟ حق الله در همه‌ی ادیان وجود دارد. فقط نحوه‌ی ادای حق فرق می‌کند. حق الناس هم در همه‌ی ادیان هست. حتی جوامعی که مدعی هستند، دین ندارند، قانون و رعایت حق دیگران را که دارند. خداوند در رابطه با خود، برای بندگانش تکالیف بسیار سهل و آسانی را تعیین کرده است.

البته این عبادت‌ها و نیایش‌ها، برای خود بنده مفید هستند و خداوند نیازی به آن‌ها ندارد. اگر به فلسفه‌ی دعاها و عبادت‌ها نیک نگاه کنیم، می‌بینیم که همه‌ی آن‌ها برای ساخته شدن انسان، طی کردن مسیر کمال و متخلق به اخلاق الهی شدن هستند. اگر دانش آموز و فراگیر ما به این نکته پی ببرد، یادگیری و عمل به عبادت برای او آسان خواهد بود.

۳. دین اسلام با فطرت انسان کاملاً هماهنگ و سازگار است. هیچ اعتقاد و عبادت و احکامی در اسلام نیست که با فطرت انسان مغایرت داشته باشد. بنابراین، درک این مطلب توسط دانش آموز با مثال‌هایی که معلم دینی و قرآن می‌زند، خود جذب‌کننده است.

حال اگر در بُعد کلی مسائل دینی بخواهیم هدفی بنویسیم، باید بگوییم، دانش آموز پس از پایان درس:



هدف های کلی :

- به دین اسلام معتقد شود.

- به پیامبران خدا از جمله حضرت رسول الله (ص)

علاقه مند شود.

- به دستورات اسلام عمل و از سیره ائمه ی اطهار پیروی

کند.

- قرآن، کتاب الهی را دوست بدارد.

این ها هدف های کلی هستند. گاهی در جامعه ی ما

مطرح می شود که جوانان ما به دین علاقه مندند، پیامبر و

ائمه ی اطهار (علیهم صلوات الله) را دوست دارند.

- البته که بسیاری از جوانان ما این گونه اند - اما در عمل

چه طور؟ روابط ناسالم دختر و پسر و رعایت نکردن حدود

- لباس های تنگ و مدل های آن چنانی و یقه ی باز و...

- موهای از روسری یا مقنعه بیرون زده با اقسام رنگ و

شکل

- سر و صورت آن چنانی پسران و جوانان

- رفتار غیر عقلانی عده ای از جوانان

- رعایت نکردن ادب در رفتار و کردار و گفتار

این گونه رفتارها از چه علاقه مندی و اعتقادی سر

می زنند؟ باید رفتارها نشان دهنده ی اعتقاد باشند و اگر داشتن

علاقه به رفتار نیکو نینجامد، پس چه فایده ای دارد؟ اگر

می گوئیم که فردی به پدر و مادرش علاقه مند است، باید در

رفتار خود هم به آن ها احترام بگذارد، با آن ها به نیکویی رفتار

کند، درست حرف بزند، به حرف هایشان توجه و گوش کند،

تا بگویند او به والدینش علاقه مند است.

وقتی مسائل اجتماعی با مسائل سیاسی و خطی مخلوط

می شود، دعوای بر سر چگونگی رعایت مسائل اسلامی و

بروز آن در جامعه می شود. زمانی که بحث کم رنگ شدن

ارزش ها می شود، عده ای می گویند که علاقه به دین و

اسلام و قرآن و پیامبر و ائمه در دل و جان مردم وجود دارد.

اما در عمل می بینیم :

- نوع لباس ها و ظاهر افراد نشان دهنده ی این مسأله

نیست.

- گاهی آمران به معروف از دست جوانان آن چنانی کتک

می خورند و گاهی هم در اثر شدت جراحات به شهادت

می رسند.

- مقدسات و حرمت بزرگ ترها و... به باد تمسخر گرفته

می شوند.

- برای زنان و دختران جوان امنیت وجود ندارد.

هیچ کس و هیچ جریانی هم نمی تواند این افراد را از حزب

و گروه خود بداند و از اعمال آن ها پشتیبانی کند. ولی کار از

کجا عیب دارد که این جوانانی که بعد از پیروزی انقلاب به

دنیا آمده و تحصیل کرده اند، این چنین رفتارهایی دارند؟ باید

اشکال را در جایی جست و جو کرد.

وقتی که ما معلمان می گوئیم دانش آموزان مطلبی را یاد

گرفته اند، آیا منظور ما فقط حفظ کردن است؟ یا ایجاد

علاقه و محبت نسبت به چیزی، و ایجاد انزجار نسبت به

موضوعی هم یادگیری عاطفی است؟ اگر هست، پس آن ها

باید علاقه و انزجار را با رفتارهایی نشان دهند. در

یادگیری های حرکتی و عملی هم، اگر ابتدا ایجاد علاقه

نشود، یادگیری عبث خواهد بود، یا به زودی در اثر عمل

نکردن به فراموشی سپرده می شود. در بحث فراشناخت،

یادگیری چنان صورت می گیرد که یادگیرنده، یادگیری خود

را کنترل و ارزشیابی می کند و میزان انتظار خود را از یادگیری

مشخص می سازد.

مثلاً دانش آموزان پس از پایان درس : (حجاب)

- حجاب خود را در نزد نامحرم رعایت کند.

- در مورد حداقل لازم سؤال کند.



- کتاب هایی در مورد فلسفه ی حجاب تهیه کند .

- درباره ی کتاب هایی که در مورد فلسفه ی حجاب نوشته شده اند، سؤال کند .

- با هم کلاسی ها و خانواده ی خود (اگر معتقد نباشند) گفتگو کند .

- از معلم در مورد سؤالات باقی مانده در ذهن سؤال کند .

کسی که در اثر یک درس یا فیلم یا پرسش و پاسخ و یا... به پیامبر اسلام علاقه مند شده، حداقل دارای هدف های رفتاری زیر است :

- در عید میلاد و مبعث علاقه ی خود را با پخش شیرینی یا تشکیل و شرکت در مجالس جشن نشان می دهد .

- در مورد زندگی آن حضرت مطالعه می کند .

- با یافتن یک فرد مطلع، از او سؤال می کند .

- در زندگی، برای استفاده از سیره ی آن حضرت تلاش می کند .

- سخنان آن حضرت را مطالعه و در زندگی به آن ها عمل می کند .

- در مجالس عزای آن خاندان پیامبر (ص) شرکت می کند .

- در عزای اظهار حالت حزن و در شادی اظهار حالت شادی می کند .

- دوستان و خانواده ی خود را به عمل مناسب با دستورات رسول الله (ص) سفارش می کند و به آن ها تذکر می دهد .

در سطوح بالاتر یادگیری در مورد حجاب، دانش آموز:

- با خانواده ی خود - اگر معتقد نباشند - گفتگو می کند .

- در مقابل فشار دوستان و خانواده ایستادگی می کند .

- برای رعایت حجاب استدلال می کند .

با عنایت به این هدف های رفتاری مشخص می شود که معلم و مربی باید در رفتار متعلم و مربی، مشاهده کند که علاقه مندی به چه صورت بروز و ظهور پیدا کرده است . تنها علاقه مندی و دوست داشتن که هدف کلی است، نمی تواند نشان دهنده ی علاقه و میزان آن باشد . چراکه اظهار علاقه کردن به زبان و کردار منافقانه، نشان دهنده ی ایمان نیست .

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی